

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۲

این دیدار در مرکز بین المللی "وود درو ویلسون" ( wood draw wilson) صورت گرفته است. به گزارش روزنامه واشنگتن پست این دیدار یک هفته پس از دیدار کمال خرازی با سناتور جوزف بایدن از اعضای عالی رتبه کمیسیون روابط خارجی سنا صورت گرفته است.

روز چهارشنبه ۱۵ بهمن روزنامه اعتماد در مقاله ای می نویسد: «فضای سیاسی امروز کشور، آن چنان در هاله و ابهام فرو رفته که نمی توان دقیق دیگر را تحلیل یا پیش بینی کرد چه رسد به روزهای آتی، و آن چه بیش از هر مطلب دیگری بهتر و راحتتر جای خود را در صفحات روزنامه باز می کند، خبر است نه تحلیل و تفسیر.»

روزنامه ایران در شماره روز پنجشنبه ۱۶ بهمن از قول عباس موسویان سفیر سابق رژیم در آلمان و مسئول بخش خارجی شورای امنیت ملی می نویسد که: «گفتگوهای ایران و آمریکا می تواند تأثیرات شگرفی در معادلات منطقه و بین المللی داشته باشد.» وی اضافه کرده که: «گفتگوهای وزیر خارجه و سفیر ایران با مقامات کنگره آمریکا با نظر دولت و رهبر جمهوری اسلامی صورت گرفته و سفر سناتورهای آمریکائی هم می تواند خلاء بین دو کشور را پر کند.» در همین شماره روزنامه ایران نوشته است که: «وزیر خارجه ایتالیا اعلام کرده است که مقامهای جناح محافظه کار ایران از وی و دوستان اروپائی اش خواسته اند تا آمریکا را به گفتگو با این جناح متقاعد کنند.»

بر اساس نوشته های روزنامه ایران «فرانکفو فرانتینی وزیر خارجه ایتالیا با کالین پاول و مقامهای مهم جناح محافظه کار ایران درباره روابط آینده ایران و آمریکا گفتگو کرده است.»

داوود محمدی در مقاله ای در روزنامه توقیف شده یاس نو در شماره روز یکشنبه ۲۶ بهمن اظهار نظر کرده که «آمریکائیها با دادن چراغ سبز به محافظه کاران ایرانی که آماده گفتگو با

آنها شده بودند، دامی در راه آنها نهاده اند که همانند دامی است که قبل از حمله نظامی نیروهای عراق به کویت بر سر راه صدام حسین نهاده بودند.» وی در مقاله خود اضافه نموده که: «به همین جهت هم مقامات و رسانه های آمریکائی پس از مشخص شدن رد صلاحیتها و مسلط شدن محافظه کاران به طرح مباحث مربوط به فعالیتهای هسته ای و نقض حقوق بشر در ایران پرداخته اند.»

روزنامه شرق در شماره روز یکشنبه ۲۶ بهمن با بررسی حوادثی که در ماههای اخیر در رابطه ایران و آمریکا اتفاق افتاده نوشته است که: «تابوهایی که روزگاری لمس آن از محرمات محسوب می شد و حتی پیگرد قضایی را به دنبال داشت چنان عادی و بی سر و صدا می شکند که گویا هیچ گاه وجود نداشته است.»

به این رویدادها باید دیدار حسن روحانی از پاریس و ملاقاتش با ژاک شیراک را هم اضافه کرد. اکنون سوال مهم این است که آیا «بیت رهبری» توانسته نظر مثبت تمامی طرفهای خارجی به شمول آمریکا، اروپا و به طور خاص انگلستان را برای پیشبرد سیاستهای خود جلب کند؟ آیا صرف ناتوانی و بی بوتی بودن «اصلاح طلبان» و قدرت «محافظه کاران» می تواند دلیلی برای یک اجماع جهانی به سود «بیت رهبری» باشد؟

به نظر می رسد که پاسخ هر دو سوال منفی باشد. در حالی که وجه مشترک همه ی جناحها و دسته بندیهای حکومتی امتیازدهی به طرفهای ذینفع خارجی به منظور تسلط در داخل و سرکوب مردم است، به طور طبیعی هر جناح و باند حکومتی سعی می کند به نوعی عوامل خارجی را به سود خود آن چنان به کار گیرد که قدرت خود را بیشتر تثبیت کند. اگر قرار باشد دستگاه ولایت به طور واقعی سیاست خارجی که خاتمی در صدد پیشبرد آن بود (تنها موفقیت او نیز همین بود) را در پیش گیرد، باید نتیجه گرفت که خامنه ای می خواهد همان کاری را انجام دهد که شاه در رقابت با علی امینی و در حقیقت با تسلیم به سیاستهای راهبردی آن زمان آمریکائیها در آغاز دهه چهل

انجام داد. نتیجه چنین امری ناپود کردن ولایت فقیه به دست ولی فقیه و ایادی او می باشد. علاوه بر این منافع و مطامع گوناگون طرفهای ذینفع و موثر خارجی در چند قرارداد اقتصادی خلاصه نمی شود. بنابراین به نظر می رسد تمامی محاسبه دستگاه ولایت در عرصه بین المللی با تکیه بر شرایط واقعی و چالشها آمریکا و نیروهای ائتلاف در عراق صورت می گیرد. زیرا تنها نقطه قوت و قدرت نظام ولایت فقیه در عرصه خارجی، بازی با کارت سرنوشت ساز عراق است و ولی فقیه می خواهد با حذف مزاحمان از این کارت به سود ولایتش سود جوید. در پایان باید این را اضافه کرد که چالشهای درون حکومتی و بازبهای جناحهای حکومتی در عرصه خارجی، بر خلاف سالهای اول دهه چهل، گرانیگاه اصلی تحولات جامعه ایران نیست.

واقعیت امروز و جنبش گسترده تحریم مهر و نشان خود را بر هر تحولی خواهد زد.

در جلسه تربیون دانشجویی «دفاع از جمهوریت» در دانشگاه امیرکبیر در روز سه شنبه ۱۴ بهمن، مسعود دهقان، عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر در سخنانی گفت: «نزاع درون کشور دیگر نزاع بین اصلاح طلبان و محافظه کاران و چپ و راست نیست. نزاع اصلی امروز کشور بین طرفداران دموکراسی و طرفداران اقتدارگرایی است.» وی اضافه کرد که: «اکثر افراد رد صلاحیت شده توسط شورای نگهبان، افرادی هستند که با خود آقایان برای تحکیم نظام از هیچ کوششی فروگذار نکرده بودند و این گونه برخوردها حاکی از این است که نظام نمی تواند، منتقد خود را تحمل نماید.»

کسانی که در گذشته گرانیگاه و مرکز ثقل تحولات را در درون حکومت می دانستند، و به خاطر دفاع از این سیاست هزینه های زیادی به جنبش آزادیخواهی مردم ایران تحمیل کرده اند، اکنون باید در خفا و یا در علن از این که اصلاح طلب قلبی را به جای اصلاح طلب واقعی به آنان غالب کرده اند، سخت شرمسار باشند.

پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۸۲

## متحصنان ماموران به نتیجه

زینت میرهاشمی

خانم زهرا شجاعی با ابراز ناخوشوندی از رد صلاحیت ۴۹ درصد از داوطلبان زن، از جدی بودن استعفای خود و دیگر اعضای دولت خبر داد.

زهرا شجاعی خود را نگران طرحهای از پیش تعیین شده در باره پایمال شدن حقوق شهروندان دانسته و گمان می کند که در فضای مجلس آینده «مردمسالاری دینی» را در کشور نتوانند اجرا کنند. مشاور رئیس رژیم ملاحا، بعد از ۲۳ سال از عمر این گونه نمایشهای انتخاباتی تازه فیلش یاد هندوستان کرده و نگران حقوق مردم شده است. زهرا شجاعی دوران فعلی را دوران امتحانی بزرگ اعلام کرده و مردم را به عنوان داوران و تاریخ را به عنوان قاضی به میدان طلبیده است.

وی می گوید که: «اینجاست که معلوم می شود چه کسانی به حق، حافظ منافع نظام هستند و چه کسانی منافع حزبی و جناحی خود را ترجیح می دهند.»

مناسفانه برای خانم شجاعی و خوشبختانه به سود جنبشهای مردمی، همین نکته «حافظ منافع نظام» بودن بست نشستگان در مجلس فرمایشی، برای عدم حمایت مردم از این گونه نمایشهایی مثل تحصن، روزه سیاسی بهترین گواه است.

جنبشهای اجتماعی و مردمی و نیروهای مترقی خواهان حفظ نظامی نیستند که خانم شجاعی و دیگر پایوران دوم خردادی خواهان آن هستند. مردم خواهان سرنوشتی و تغییر نظام کنونی هستند. تحریم انتخابات نمایشی و شعار فراندوم به گستردگی خود را نشان می دهد و این امر برای هر دو جناح آشکار است. جناحهای وابسته به ولی فقیه در قبال تحریم یک باره می خواهند سر گریه را دم حمله ببرد. با توجه به تحریم از طرف مردم، پس چه باک که خود را از شر رقیبان در قوت خلاص کند. اما جناح دوم خردادیها که آغاز شروع همه چیز را با خودشان می سنجند، سر بریدنهای خودشان را آغازی برای پایمالی حقوق مردم و آزادی می دانند. آنها وانمود می کنند حرکتهای خودشان را برای گرفتن حقوقشان (مشارکت بیشتر در قدرت) به حقوق پایمال شده مردم پیوند بزنند. اما این تنها یک تلاش مذبوحانه است.

خانم شجاعی در قبال سوال خبرنگار ایلنا که می پرسد «استعفای شما در فضای فعلی چه تأثیرات سیاسی و اجتماعی خواهد داشت، گفت: «به قول حضرت امام ما مامور به تکلیفیم نه نتیجه». تجربه دستاوردهای رژیم حاکم نشان می دهد که تمامی گردانندگان طراز اول این نظام، و منجمله امام راحلشان «مامور به نتیجه» هستند. نتیجه برای همه آنان حفظ ساختار پوسیده نظام و به طریق اولیا حفظ منافعشان است.

۴ بهمن ۱۳۸۲